

خوانندگان محترم،

درین روز ها به سلسله نصب لوحه ای به اسم یکی از قوماندانان معلوم الحال تنظیم های جنگ های خونین افغانستان، به نام «**احمد شاه مسعود**» در منطقه ای از شهر پاریس، مطبوعات افغانی، مبارزاتی را برای شناخت شخصیتی که جای پای خونینی در بربادی وطن و مردم شریف افغانستان داشته است، پیشکش می نمایند. این افشاگری ها البته روی استناد و شهادت صفحات تاریخ معاصر کشور ما صورت می گیرد.

چون در مضمون جدید و وابسته به خبر مذکور تحت عنوان «**احمد شاه مسعود انسان عاقل و زیرکی بود اما....**» منتشره این وبسایت، لینک مستند نوشته مصاحبه «**جنرال بوریس گروموف**» با نشریه سپوتنیک و یکی از قرار داد های مهم و «**احمد شاه مسعود**» با جنرال مذکور روس برای بعضی از خوانندگان باز نگردید، اینک آن قسمت را علیحده تقدیم می دارم.

## احمد شاه مسعود را گروموف در مصاحبه ای معرفی می نماید

به مناسبت نوزدهمین سال قتل احمد شاه مسعود



عکسی تاریخی که احمد شاه مسعود را با نورالحق علومی، انجنیر پناه «ا»، نبی عظیمی، فهیم و جمعی دیگر از کمونیستان بالای نقشه مقدس افغانستان نشان میدهد. آیا تجزیه کشور مطرح بود؟!

مقدمه: (قسمت هایی از این مقاله سال گذشته به مناسبت سالگرد قتل احمد شاه مسعود یکی از قوماندانان جهادی به نشر رسید که به شهادت استناد تاریخی، نامبرده نه تنها هیچ برتری و یا اثبات ملیگرایی و یا خدمات ارزنده ای برای ملت مظلوم افغان نداشته است، بلکه هر سالی که میگذرد،

اسناد و شواهد بیشتری از اقدامات غیر ملی وی چه در زمینه هنگامی با اتحاد شوروی اشغالگر و چه در احوال جنایات بشری علنی اش در عصر جنگ های کابل و حتی تلاش برای تجزیه افغانستان عزیز به کمک شوروی، بدون تردید افشاء و آشکارا میگردد.

درین شب و روز که با فشار های غیر عادلانه امریکا، جلسات سرنوشت سازی بین گروه طالبان عصر حجر و خون آشام و دولت افغانستان سازمان دهی میگردد، باز هم «یک هفته» را به نام پوشالی «هفته شهید - اختراع حامد کرزی بی مسئولیت»، اختصاص میدهند. یکبار دیگر قسمت های مهم این مضمون خاص را که بر مصاحبه جنرال «بوریس گروموف» آمر قوای اشغالگر نمبر ۴۰ اتحاد شوروی استوار است، به مناسبت ارزش مستند بودن آن با تغییراتی چند، تقدیم خوانندگان محترم مینمایم):

در ماه های اخیر در پهلوی معضله حاد، سر درگم و یکجانبه صلح با طالبان که بالاخره بهانه ای بدست رئیس جمهور امریکا داد تا متوجه گردد که در حقیقت به بهای نجات احتمالی از جنگ، چه خون ریزی های مهلکی افغانستان را در آتش غرق نموده، موضوع زعامت «؟!» و جانشینی رهبر مقتول شورای نظار، «احمد شاه مسعود» هم شنیده میشود، مخصوصاً بعد از تغییرات و اختلافات بنیادی در حزب جمعیت. یعنی که چهره جدید فرزند رهبر شان، بنام «احمد مسعود» که در ممالکی مانند ایران و انگلستان حیات بسر میبرد، وارد میدان میگردد. گویا که این مقام هم میراثی بوده است و این جوانک که دور از وطن و دور از جریانات و مصائب این خاک بار آمده است، اعلام میدارد که وی خط مش و راه و روش «!» مسعود را تعقیب مینماید... پسری کو ندارد نشان از پدر!!

چند سال قبل زمانیکه عبدالله عبدالله بار اول کاندید ریاست جمهوری به مقابل حامد کرزی بود، وی هم برای پیروزی در انتخابات چنین ادعایی را برای تعقیب راه و روش احمد شاه مسعود داشت. در جریان یک مصاحبه تلویزیونی، شنونده ای از هالند از عبد الله عبدالله سوال نمود که در پیروی از روش و اعمال احمد شاه مسعود که تلاش داشت به کمک شوروی افغانستان را به شمال و جنوب تقسیم نماید و کشتار هایی چون «قتل عام افشار» را که ثبت تاریخ جهان گردیده است، سازماندهی نمود و عملاً سخت علیه بعضی از اقوام شریف افغانستان مانند اقلیت و اکثریت هزاره و پشتون بود، آیا وی هم چنین اعمالی را پیش خواهد برد!

حال نسل دیگری منحصت وارث آن قوماندان معلوم الحال جهادی، سر بالا نموده و گویا وی هم چنان راه کج و پیچی را وعده میدهد، پناه بر خدا! این یکی در خاک پاک افغانستان امروزی حتی بزرگ

نشده و چپ و راست آنرا نمی شناسد؛ مانند صلاح الدین ربانی که وارث پدر گردید و چشم پت از خارج مستقیماً به وزارت خارجه گماشته شده و رهبر جمعیت اسلامی ربانی هم گردیده بود. یا الله! در مورد تاریخچه زندگی مسعود از همان آغاز وابستگی او و گلبدین و ربانی به تشکیل شرم آور آی اس آی در پاکستان که تا بحال بربادی افغانستان را در پلان دارد، تا نزدیکی وی به اتحاد شوروی و امضای پروتوکول ها، حفظ سالنگ و پایپ لین گاز برای شوروی اشغالگر و امثال آن بسیار نوشته و خوانده شده است. این جریانات را حتی منابع معتبر کی جی بی و سی آی آ و وزارت های خارجه و دفاع روسیه فیدرال و امریکا بعد از جنگ سرد، افشاء نموده در دسترس همه گان قرار داده اند.

در مورد روابط دستگاه های جاسوسی امریکا و انگلستان یعنی «سی آی آ ای ام آی ۶» در آغاز حضور شوروی در افغانستان، صراحت و اسناد زیادی موجود است و مسعود هم گویا ابتداء در جنگ علیه اتحاد شوروی شامل بوده و کمک های ممالک مختلفه را دریافت می نموده است، ولی راپور ها مشعر است که یکباره از جنگ واقعی دست میکشد و موجبات تشویش آن ممالک را فراهم مینماید. «افغانی که نمی جنگد» اثر معروف پروس ریچاردسن افغانستان شناس و ژورنالیست خبره درین زمینه وضاحت و استناد دارد که درین مختصر نمیگنجد، بلکه باید به ارتباط نزدیکی «احمد شاه مسعود» به «بوریس گروموف» جنرال روسی و قوماندان قوای نمبر ۴۰ اتحاد شوروی در



### جنرال بوریس گروموف آمر قوای اشغالگر نمبر ۴۰ شوروی در افغانستان

افغانستان، روشنی مختصری بر یکی از مصاحبه های جنرال مذکور با نشریه «سپوتنیک» در مورد روابط سری وی با مسعود، بعد از امضای پروتوکول های مختلفه و هم بعد از شکست خفتبار

ابر قدرت در افغانستان، انداخت. البته ترجمه مصاحبه به دری، قسماً بصورت تحت اللفظی صورت گرفته است:

(معلوم است که با مسعود راجع به این موافقه حاصل شده بود، تا او قطارهای نیروهای شوروی را بدون هرگونه موانع از طریق کوتل سالنگ اجازه عبور دهد؟ چنین توافق چگونه دستیاب شده بود؟ مناسبات شما با احمدشاه مسعود چگونه بود؟ با او ملاقات کرده بودید. او را چگونه به خاطر دارید؟ **بوریس گروموف:** او، باوجود آنکه یکی از مخالفان ما اما شخص شایسته بود. احمدشاه مسعود همه چیز را بسیار خوب می فهمید. مردم که در دره پنجشیر زندگی میکردند، او را بسیار دوست داشتند. مسعود شخص بسیار متعهد بود. اگر او وعده میداد، پس صد درصد باید باور میداشتیم که او به قول خود وفا میکند. من با او یکبار قبل از خروج نیروها ملاقات کردم. این در ماه می سال ۱۹۸۸ بود. قبل از این ما به یکدیگر نامه ها می نوشتیم و از طریق مخبران روان میکردیم. ما راجع به همه چیز توافق نمودیم، همه پرابلم ها را حل و فصل کردیم، همکاری متقابل را سازماندهی کردیم، تا کدام چیزی غیرپیش بینی شده رخ ندهد. ما شفرها داشتیم، بر علاوه این ما اطلاعاتی را شفرسازی میکردیم، تا کدام کسی دیگر از نام احمدشاه مسعود عمل نکند. آخرین بار ما راجع به محل مشروط - این در نزدیکی محل استقرار غند ۱۷۷، در برابر دروازه ورودی در دامنه کوه بود، جای که بخش کوهستانی راه سالنگ آغاز میشود، ملاقات نمودیم. به طرف راست راه بسوی دره پنجشیر می رفت و مستقیماً راه عمده: کابل - کوتل سالنگ جدا میشد. ما در نقطه تقاطع دو راه بدون محافظین باهم ملاقات کردیم. ما در حدود پنج دقیقه باهم گفتگو نمودیم و توافقات را تائید کردیم. بعد از این ما اکثراً به همدیگر نامه می نوشتیم. شوارنادزی پافشاری میکرد، تا قبل از خروج نیروها، وقتیکه آخرین دو قطار از کوتل سالنگ عبور میکرد، ما باید بر احمدشاه مسعود ضربات قوی وارد می ساختیم که صورت گرفت. حتی وقتی که ما ضربات وارد ساختیم، مسعود ضربه جوابیه بر ما وارد نه ساخت.

**معلومات وجود دارد که ضربات بر دره وارد آورده شدند. آیا این درست است؟**

**بوریس گروموف:** ضربات بر اهداف وارد آورده شدند که مسکو، GRU داده بودند. اهداف را گورباچیف مطالبه میکرد و راجع به این به وزیر دفاع گفته شده بود. ممکن، به کدام ترتیبی افسران ما به احمدشاه مسعود خبر دادند که ما به وارد آوردن ضربات مجبور خواهیم شد. اهداف در طول راه نشان داده شده بودند که جای مردم مسعود وجود داشتند. ولی در حدود ۹۰ درصد آنها رفته بودند. آنها شبکه اجنتان خود را داشتند و ما نیز به آنها خبر دادیم.

ضربات همچنان به عمق مناطق - در شرق و غرب سالنگ وارد آورده شدند. ضربات بر دره توسط طیارات از خاک اتحاد شوروی وارد آورده شدند. اما ما قاطعانه با چنین ضربات مخالف بودیم. ما به مسکو تلفون کردیم و گفتیم که اردوی ۴۰ - م در این ضربات شرکت نخواهد کرد. ما عملاً از حدود تبعیت عدول کردیم. ما توضیح نمودیم که اگر این ضربات صورت گیرند و به هدف خود برسند، پس نیروهای که در بخش ورودی کوتل سالنگ باقی مانده، از افغانستان خارج خواهند شد. اگر مجاهدین ضربه جوابیه وارد میکردند، فاجعه رخ میداد.

خارج ساختن تعداد عظیم نیروها و وسایط از کابل از طریق سالنگ فقط در ظرف یک ماه، وقتیکه در راست و چپ اشباح (مجاهدین افغان - تبصره *Afghanistan Sputnik*) نشسته بودند، بسیار دشوار بود).

با مطالعه سطور فوق دیگر برای ملت مظلوم افغان که متأسفانه قبل از بیگانه، از مردم خود ضربه مهلک میخورد، آشکار گردید که چگونه احمد شاه مسعود و جنرال گروموف که سال ها از قوای اشغالی نمبر ۴۰ اتحاد شوروی سرپرستی مینمود، روابط نزدیک و همکاری برای حفظ سالنگ ها و دور ساختن مجاهدین از آن مناطق داشتند، طوریکه حتی ارتباطات و همبستگی های شفر و رمز بین شان همواره رد و بدل میگردد.

با وجود موجودیت ارتباط جمعی وسیع دنیایی، هنوز هستند هموطنان ما که واقعبین عریان دست هایی که پشت پرده حوادث افغانستان در فعالیت های غیر ملی اشتغال داشتند را نمی شناسند و از چگونگی اعمال نا پسند آنان مطلع نمیشوند و یا اینکه باور نمی نمایند. برای این منظور یکی از معاهدات مهم احمد شاه مسعود را با اتحاد شوروی وقت تقدیم مینماییم که برای افغانستان دقیقاً سرنوشت ساز بوده است:

### **معاهده مخفی بین احمد شاه مسعود و قوای اشغالگر نمبر ۴۰ شوروی در افغانستان:**

به منظور خلق حسن نیت بین رهبری قوای شوروی و مخالفین مسلح پنجشیر و به آرزوی تحکیم صلح در افغانستان، طرفین عاقدین با نیت نیک و پذیرش وجایب ذیل این معاهده را امضا می نمایند.

۱. گروه مسلح پنجشیر کلیه عملیات نظامی خود را در سالنگ جنوبی و مناطق همجوار متصل به شاهراه کابل - حیرتان، بشمول استعمال هر گونه اسلحه در مناطقی که بدست قوای مسلح پنجشیر قرار دارد، علیه مواضع قوای شوروی، قوای افغانی، محافظین سرحدی (MGB) و خاندنوی (Tsarandoi) متوقف سازد.

۲. گروه مسلح پنجشیر مسئولیت حفظ خطوط مخابراتی بین تاجیکان (Tadzhikan) و چاگانی (Chaugani) را به دوش گرفته و مانع حمله، قطاع الطریقی و سائر اعمال خصمانه علیه قوای شوروی و افغانی گردد.

۳. طرف شوروی طبق موافقه دو جانبه مسئولیت تهیه تدارکات، ضروریات فوری و سائر مواد مورد احتیاج را برای تقویه و نگهداری پنجشیر و سائر مناطق متعلقه بر حسب وقت تعیین شده به عهده میگیرد.

۴. به سائر گروه ها و دسته جات مسلح اجازه داده نخواهد شد تا در مناطق مربوطه داخل شده و علیه قوای شوروی و قوای افغانی دست به حملات تروریستی و تخریبی زده و پایپ لاین را منهدم نمایند.

۵. تبادلۀ معلومات و مساعی مشترک در جهت پیدا کردن اتباع شوروی و افغانی که در منطقه مورد بحث مفقود شده اند، صورت خواهد گرفت.

۶. در صورت خلق و اوج تشنج و در مورد اجتناب عملیات جنگی و برقراری صلح در منطقه مورد نظر، مشاوره لازم بین دو جانب بعمل خواهد آمد.

۷. موثریت این پروتوکول در سرتاسر قلمرو ۳۰ کیلومتری در هر دو سمت بین تاجیکان (Tadzhikan) و چاگانی (Chaugani) امتداد خواهد یافت. در ماورای این قلمرو، قوای شوروی و قوای مسلح پنجشیر حق دارند تا عملیات نظامی را علیه سائر گروه های مسلح متعلق به دیگر تنظیم های مجاهدین به راه انداخته و ایشان را محو نمایند. خصوصاً گروه هائی که عملیات نظامی را علیه هر دو جانب متعاقبین متوقف نساخته اند.

۸. پروتوکول حاضر از لحظه امضاء و صحه گذاشتن به آن مرعی الاجرا میشود.

منبع معلومات: عملیات گروه MO SSSR در افغانستان، دسامبر ۱۹۸۸ (این سند بوسیله جنرال بوریس گرموف، جنرال شهنوار تنی و احمد شاه مسعود امضاء گردید). (شبارشین Shebarshin ۱۷۷-۲۱۴).

**منابع:** سپوتنیک افغانستان، آثار بروس ریچاردسن، ژورنالست و افغانستان شناس امریکایی و محترم میر عبدالرحیم عزیز.

**نوت: «۱»** انجنیر پناه که اسرار زیادی از شورای نظر میدانست، بعد از مرگ مسعود توسط عمال وی ترور شد.